

طوفان

جای آهاره

طهران - مطابان - لاهزار - نمره - نهدون ۲۹۰

صاحب امتیاز و مدیر

آدرس تلگرافی طوفان

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه - منتشر میشود

قیمت اهتزاز

داخله سالانه ۸۰ قران شش ماهه ۴۰ قران

در ولایات باضافه اجرت پست

خارجه سالانه ۱۰۰ قران شش ماهه ۵۰ قران

تک نمره ۸ شاهی

قیمت اعلاوات

صفحه ۱ سطر ۳ قران
صفحه ۲ و ۳ صفحه ۴
قران ۲ قران ۱

تعداد آراء قرآنت مقدمه

تاظهر ۲۰ شنبه ۲۵ شوال

دولت و حسن آباد	۱۳۴۲
بازار	۱۳۶۰
عردلان	۱۳۹۷
شهران	۱۳۷۲
منکلیج	۱۳۳۳
بوالمدان	۹۹۸
جمع کل	۷۶۱۳

حائزین اکثریت

آراء مستخرج

تاظهر دو شنبه ۲۵ شوال

تا (۵۰) رای نگاشته میشود

۱ - مولفان الملک	۳۰۴۰
۲ - سیدان میرزا	۲۶۱۸
۳ - مشیر الدوله	۲۵۹۹
۴ - مسعودی الملک	۲۴۵۳
۵ - شیخ علی مدرس	۲۲۶۵
۶ - آقا زاده	۱۸۷۳
۷ - مصدق السلطنه	۱۴۲۰
۸ - میرزا هاشم آشتیانی	۱۳۶۱
۹ - میرزا حسین خان علائی	۱۳۵۷
۱۰ - آقا سید احمد بهبهانی	۱۳۴۳
۱۱ - سید ضیاء الدین طباطبائی	۱۳۳۵
۱۲ - آقا سید امده خرقانی	۱۳۲۹
۱۳ - حاج سید ابوالقاسم محمد کاشانی	۱۱۸۸
۱۴ - قوام السلطنه	۱۱۸۳
۱۵ - حضرت الدوله	۱۱۶۵
۱۶ - آقا سید حسن مدرس	۱۱۵۵
۱۷ - ذکاء الملک	۱۱۲۹
۱۸ - حاجی عباسقلی آقا	۱۰۹۲
۱۹ - مساوات	۱۰۴۷
۲۰ - حاج سید شافیه روز آبادی	۱۰۳۵
۲۱ - سید محمد صادق طباطبائی	۱۰۲۷
۲۲ - میرزا رضاخان نائیبی	۱۰۰۵
۲۳ - شیخ المراقبن عراقی	۹۲۹
۲۴ - آقا موسی روجردی	۹۲۶

آراء مقید و مطلق

حاج سید ابوالقاسم کاشانی	۱۱۸۸
حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی	۸۲
آقا سید حسن مدرس	۹۹۵۵
مدرس مطلق	۲۷۵
شیخ المراقبن عراقی	۹۳۹
شیخ المراقبن مطلق	۱۹۳
سید محمد صادق طباطبائی	۱۰۲۷
طباطبائی مطلق	۳۳۴
میرزا جاسم آشتیانی	۱۳۳۵
آشتیانی مطلق	۱۵۲
حاج سید ابوالقاسم کاشانی	۱۱۸۸
حاج میرزا ابوالقاسم کاشانی	۸۲
آقا سید حسن مدرس	۹۹۵۵
مدرس مطلق	۲۷۵
شیخ المراقبن عراقی	۹۳۹
شیخ المراقبن مطلق	۱۹۳
سید محمد صادق طباطبائی	۱۰۲۷
طباطبائی مطلق	۳۳۴
میرزا جاسم آشتیانی	۱۳۳۵
آشتیانی مطلق	۱۵۲

زیاعی

ای جمیع بغوب وزشت حاکم شده
محفوظ کن مقیم وسالم شده
با آنکه تویی پاک دل و پاک زبان
آرا مکه خالص و خادم شده

تصحیح

در شماره ۷۹ طوفان از آقا میرزا رضاخان
تألیفی و قائم مقام الملک بواسطه بسی
میالامی مصحح غلط و مطابق شماره ۸۰
امروز تصحیح فرمایید

اخبار

مهرس فردا منتشر میشود

حاجی امجدالملک	۵۸
انتصار السلطنه صاحب جمع	۵۷
سید ابوالفتح علوی خلغالی	۵۴
حرف زاهد	
ایمان لدوله	۱۳۶
مشهدی یقر بقال	۱۱۷
بهارستان نوینت	۸۴
بصیر الملک عظیمی	۶۴
بهاالملک	۶۳
حسن شیدائی	۶۲
حرف زاهد	
تقی زاده	۱۸۷۷
تبدین	۶۱۳
آمدن	۶۰۶
حرف زاهد	
تتمه الملک	۲۴۰
حرف جیم	
سید جلیل لودیلی	۲۶۱
سید جواد سلطانی	۲۳۹
حاج شیخ جمال الدین	۱۱۳
میرزا جواد خان ممالور حضور	۷۷
حرف شاه	
میرزا حسین تان گلانی	۱۳۵۱
آقا سید حسن مدرس	۱۱۵۵
مدرس مطلق	۲۷۵
شیخ حسین طهرانی	۲۵۰
شیخ حسین کبوه سی (راسخ)	۲۴۶
حکیم السلطنه	۱۵۴
حکیم الهی	۲۵۱
حاج شیخ حسین یزدی	۲۴۰
حکیم الملک	۲۳۶
شیخ حسین رولاری	۲۰۲
حکیم الدوله	۱۶۱

دکتر حسن خان مدنی الموم	۱۴۴
حلاج	۱۴۱
سید حسین قنات آبادی	۱۳۱
میرزا حبیب الله خان سیدی	۱۲۳
میرزا حسین خان صبا	۱۱۲
میرزا حسین خان امید	۸۶
میرزا حسینقلی سیکاری	۷۸
میرزا حسین خان مبین	۷۶
میرزا حسن آقای عالمی	۷۵
شیخ حسن خرقانی	۶۹
حرف شاه	
خلیلی مدیر اقدام	۲۱۷
خان شوکت	۱۳۸
حرف دال	
وهندا	۶۴۶
دیر السلطان	۲۷۵
دیرالملک طوسی	۲۱۹
دست قیب	۲۰۶
دهکان	۱۱۶
حرف ذکاء	
ذکاء الملک	۱۱۲۹
حرف ر	
دیر السلطان	۱۳۵
حاج سید رضا فیروز آبادی	۱۰۰۵
میرزا رضاخان نقی	۷۷۹
وهندا	۷۳
میرزا رضای ایروانی	۱۳۶
میرزا رضا خان اقتدار	۱۲۹
آسید رضای المیزاده قاسمی	۱۲۰
حرف سین	
سلیمان میرزا	۲۶۱۸
سلطان العلماء بروجرودی	۳۶۹
سالار منصور قزوینی	۲۸۸
سهراب زاده	۱۹۵
سید آقا خان مدیر شوق	۱۳۶
سید العلماء	۱۰۷
سیددار اعظم	۹۶
میرزا ساریلان خان	۷۱
حرف شهن	
شیخ المراقبن عراقی	۹۳۹
شیخ المراقبن مطلق	۱۹۳
شیخ الاسلام نیلورانی	۱۱۷۷
شرف الملک	۱۱۱
شیخ محمد شریعت	۱۰۰
حاج ترقی الملک	۶۳
شریعت آکلانی	۵۰
حرف صاد	
صمصام السلطنه	۲۷۹
صدیق حضورت	۲۵۷
میرزا صادق خان منتصر السلطان	۲۵۹

منتصر السلطان مطلق	۱۵۸
مدر الاشراف و مطلق	۱۰۰
صلاح الملک	۱۱۱
سید صادق لاریجانی	۶۳
حرف شاه	
آقا سید ضیاء الدین طباطبائی	۱۲۷۵
آقا ضیاء الدین نوری	۲۰۷
حرف شاه	
میرزا محمد صادق طباطبائی	۱۰۲۲
طباطبائی مطلق	۳۳۴
میرزا طاهر تنکابنی	۳۴۴
طباطبائی مهدنی	۱۱۵
حرف شاه	
ظهور الاسلام	۱۶۰
حرف سین	
شیخ علی مدرس	۱۱۶۵
حاجی عباسقلی آقا قهریزی	۱۰۹۱
آقا علی نجم آبادی	۸۰۲
شیخ عابدین نوری حدادی	۶۴۱
عدل الملک	۶۰۸
عمید السلطنه	۵۷۱
میرزا علی اکبرخان مبین	۴۸۴
سید عبدالقنی	۲۲۶
دکتر علی نصرخان حسینی	۱۹۳
میرزا علی اکبر ساعت ساز	۱۴۵
حاجی شیخ سید الهی	۱۱۶
میرزا علی محمد سعید قزوینی	۹۷
عیسی خان سلطانی	۹۱
دکتر عبدالله خان احمدی	۹۱
مرحوم حاجی میرزا علی محمد دعوت آبادی	۸۸
میرزا عیسی خان کرمانی	۸۷
آقا علاء الدین نوری	۶۳
میرزا علی قنوی	۶۱
میرزا عبدالله خان بهری	۵۳
حرف سین	
میرزا غلامحسین خاوری	۸۵
حرف شاه	
قدائی	۳۶۰
قروجر	۲۸۴
قرن	۱۴۴
فاضل عراقی	۱۴۸
نجم الملک	۹۴
افغانی	۵۹
کلالی نقی خان	۵۰
طاهر شیخ تقی الدین تهرانی	۵۰
حرف قاف	
قوام السلطنه	۲۷۹
قائم مقام رشتی	۲۵۷
میرزا قوام الدین نوری	۲۵۹

حرف کف
کمره
سید کاظم واعظ
میرزا کاظم خان مدیر کل
حرف لام
لسان المحققین
حرف میم

۱۱۳	موتن الملك
۸۸	مشور الدوله
۵۱	مستوفی الملک
۵۲	مصداق السلطنه
۳۰۴۰	مساوات
۲۵۹۹	آقا موسی روجردی
۷۴۵۴	دکتر مهدی خان ملک زاده
۱۴۲۵	محمد ولی میرزا
۱۰۴۲۷	معاسب الملک
۹۳۶	منصور الملک
۵۸۳	
۵۲۶	
۵۱۶	
۴۸۹	

اخبار

بواسطه اهمیت اخبار مجلس از درج قسمتی از آراء مستخرج و اخبار داخله و بیستم مسکو صرف نظر شد

در پارلمان

در اطراف استنباح جلسه فوق العاده روز دوشنبه ۲۵ شوال مجلس يك ساعت قبیل ز ظهر در تحت ریاست آقا مؤمن الملک تشکیل قبلا رئیس اظهار داشتند که صورت مجلس امروز با صورت جلسه روز گذشته در جلسه آئینه قرائت خواهد شد زیرا امروز استنباحی است که آقا مدرس خواهند کرد -

مدرس - محض استحضار آقایان و تذکار مسبق باینکه در استنباح در وقت پروگرام دولت اشاره کردم امروز یکی از مواد پروگرام آن روز روابط حسنه بادول بود در آنجا آقایان اکثر مستحض باشند بیست اموری را اشاره کردیم بحسب سوابق را که نسبت بحال حضرت آقا داشتیم منتهای مسئله خودمان را بمنتهای معرفی کردیم و عرض کردیم منظور عملیات در آئینه هستیم و بحال امتناع باقی خواهیم ماند یا بحال انکار یا بحال ابقاقت يك مدتی گذشت قریب سه ماه دیدیم وضعیت قسمی است که قابل تحمل نیست نسبت نه از تقصیر آقا بلکه همان وضعیت قصوری که سابقه بحال آقا داشتیم و نه از عملیات جزئی نسبت بسایر وزراء خوب باید من همیشه نظرم بامور کلی و اساسی بوده است والا امورات جزئی خیلی بوده که الان مذاکره نمیکنیم و بالاخره پس از سه ماه که از عمر کابینه گذشت دیدیم وضعیت قسمی است که قابل تحمل نیست با آقایان نمایندگان در صدد تشکیل اکثریت بر آمدیم و البته میدانید که تشکیل اکثریت و اقلیت این دوره يك نحوی است که در دوره های سابق سابقه نداشته (از طرف بعضی صحیح است) و چون ما اکثریت تشکیل دادیم آقایان اقلیت - تریاق - تریاق بهر چه ؟ بالاخره موفق نشدیم و سرانجام بقصد خودمان اکثریت داریم و بمقتضای

اصل قانون اساسی منوئل شدید که دولت برود آقایان متقاعد نشدند در خارج با آقای رئیس مذاکره کردیم که آقا استنباح بدهند قبول نشد حتی گفتیم که خود نمایندگان يك شخصی دیگر را در نظر بگیرند که محل اعتماد همه باشد آن هم قبول نکردند بالاخره استنباح را پیشنهاد کردیم که منحصر کردند رفتن دولت حاضر را باستنباح:

من شخصا میخواهم قبل مذاکره با استنباح زیرا وضعیت استنباح غایب با امور کوچکی بوده است که بقیه من ناپسند بوده مثل استنباح آرد که سزوار نبوده است با آقا يك دولتی را بیاریم يك دولتی را ببریم آنچه را که من استنباح دارم نسبت به آقا که میدانم در سیاست خارجه يك بوده و هستند در قسمت قصور ایشان است و من در رویه ایشان و قصور ایشان استنباح دارم - لهذا آن استنباح را بعد از آنکه از جهات دیگر مایوس شدم تقدیم مقام ریاست کردم

پس عرض میکنم - در قرون اخیر وضعیت دنیا اثر گشته شدن بعضی دول بود و غفلت بعضی دول و غرور بعضی دول در دنیا گشته بعضی دول بخواب قریب خود یا از هشیاری با از اختیار یا از تجدد افتاده بالخصوص اروپا - در قرون اخیر ۱۰۰ سال یا ۱۵۰ سال يك دولتی وجود پیدا کرد و دو سده بر آمدند که دولت های کوچک دنیا را ببلند

همیشه همین حال بود است و لی يك قسمت آن معاصر شده است با زمان ما از قدیم - البته معلوم است يك همچو دولتی اعتدل دارد عاقل دارد بعضی بمقام غصب دول کوچک نهنک در آور آمدند دولت ها را کوچک آوردند قوی شدند تا اینکه آن ها را بالمره مضمحل نمودند بعضی عاقل بودند لقمه های کوچک کوچک ببر داشته و دیگران را تاود کردند

وضعیات ایران و دنیا ما را مبتلا کرد بدو دولت بزرگ همسایه آن وقت بعضی از سلاطین شاید ملتفت شده اند مثلا مرحوم ناصر الدین شاه ملتفت شد که ما هم جواری پیدا کردیم با دو دولت بزرگ البته مقتضای وضعیت ما و مقتضای دنیا ما این دو دول سلم است و صلح و مقتضای دنیا ما سا این دو سلم است مگر این که تعرض ما بشوند و همچنین وضعیت جغرافیائی ما البته وقتی تعرض هر ضعیفی هم بشوند باید در صدد دفاع برآید

البته دولت های ما در سابق بوظیفه بوده که این دو دولت صحیح العقل عاقل را جلب کرده و با آن ها روابط حسنه داشته باشند و همین قسم هم با آن ها روابط داشته بعضی اوقات بیشتر بعضی اوقات کمتر بعضی اوقات مساعد بعضی اوقات غیر مساعد تا زمان ما یعنی موقعی که انقلاب ایران شد یعنی ما بیدار شد

حکومت بگفتی بحکومت ملی مبدل گشت البته معلوم است بعد از این که دنیا توپد چنین دولتی سرد و دول بزرگی پیدا کرد با طلبه آن دول بزرگ با هم دیگر نظر دارند خصوصا اگر کم لقمه ها کم بشود رقابت تولید می شود این مسئله در تمام دنیا و همچنین در ایران بود تا جنگ عمومی جنگ عمومی که میان دول بزرگ برپا شد بعضی از آن ها از حالت عظمت تزلزل کردند بعضی بر عظمت آن ها افزوده

مانانیم و همسایه و طرف مدت هادوریم سابق و در طرز لاحق میانه این دو دوست پنجمی زندگی میکنیم اگر حالی میانه ما و حیرت اتفاق می افتاد اسباب عدم وسيله گشتی اسمش را می گذاشتیم اگر حوادثی مابین ما و امتیاع شمال اتفاق می افتاد اسمش را قصور مامورین می گذاریم لکن وقتی یکی از همسایه ها در جنگ عمومی اظهار شد یعنی یکی اقوی شد و دیگری قوی مانانیم و يك همسایه قوی که با ما مادر و یسا دایه مهربان تر از مادر شد این گرفتاری ما ما را تشدید بقرار داد یعنی انحصار ایران يك دولت همسایه البته زقیب وقتی رقابت نداشته باشد در مقام صلاح و نفع خود است بنویسند و بگویند بیداری ملت ایران از جنگ قرار داد خلاصی پیدا شد حتی رسایی که متوسل شده اند از قبیل کابینه آقا سپهبد شاه که اسمش را کابینه سپاه یاسفند می گذارند مهذا نشد تا این که بحمد الله این مجلس مفتوح شد

بعضی از نمایندگان سیاسی اتخاذ کردند که آن آثاری را که از همسایه جنوب مانده است برود و من هم که یکی از آن ها بوده ام سعی می کردم که آن آثار محو شود دولت ها که پیدا شد گفتند اگر می توانی بکنی اگر نمی توانی بکنی و بروید (مشهد جای خوبی است) بالاخره حدود آقای مستوفی الملک هم در هیئت رفیقه تشریف داشتند که مذاکره شد و تمام آن آثار کوچک هم که پلوس جنوب قشون منتشر ما بودند همه محو شدند (بعضی صحیح است)

المر چه میکنند در این دوره عملیاتی نشده ایضا تصدیق می کنیم که خیلی از مسائل باید حل شود لا محاله ولی هر کس قدر قوهش - مهذا صلاح در این بود که اسمی از آثار يك همسایه باقی نگذاریم (صحیح است) بحمد الله موفق شدید که بدون هیچ زحمت ملت و قشون آثار قرار دادی که نتیجه نترت بود رفع شد و ما با يك فراغت موفق شدیم بطرح ملکولایحی از قبیل قانون نفت این قانون نفت خوشبختانه با بدخترانه زمانی در مجلس گذشت که من ناخوش بودم همین قدر آقای حاج شیخ اسد الله بمن گفته که يك همچو قانونی گذشته من کفتم خوب است قدری وقت نهم وقتی بیدار شدید گفتیم باید جلو گیری کرد زیرا بحال ما می کردیم سر انگشت همان همسایه داخل شده ما بر این انحصار اتاندار را بر داشته و معامله را از دنیا بگهنبایدای تو انداختیم نه از جانب خود می گویم و بقیه دارم تمام ملت ایران و همه نمایندگان موافقت که منشاء ما دیانت است (صحیح است) با همه دول دنیا دوستیم ولی اگر کسی تعرضی ما بشود مامم تعرض او خواهیم شد همین مذاکره را باید در اعظم عثمانی کرد که همیشه قدر که يك نسر از خارجی ها بدون اجازه دولت ایران داخل خاک ایران شد او را با کوله بزرگیم طواه کلاه خواه پوست خواه شایکا سر او باشد وقتی که او را زدیم آنوقت دست دراز میکنیم به بپنم خانه شده پانه اگر گفته شده بود باو نیاز میکنیم و الا فلا

این وضعیت بود تا کابینه آقای مستوفی الملک این نزاع ها همیشه بوده نزاع ما در تبری است که در صدد مابقی نداریم به هم نداریم آقای مستوفی الملک استعداد منع

ندارند یعنی استعداد ما استعداد منع است بعضی استعداد سقوط در کابینه سابق ها مهاجرت پیش آمد و من آقا را مقصر نمیدانم بلکه ایشان را مقصر میدانم و امروز هم ایشان را مقصر میدانم - من در رهس الوزراء و ه وزیر دیده ام هر وزیرى ادعا کرد که من يك تقاضا کرده ام آن مرد است این حرفها را باید گذاشت و رفت سر مطالب بعد از اینکه آقا این کار را قبول کردند در پروگرام ایشان مذاکره شد عرض کردم که روابط حسنه تفاوت است رژیم روسیه رفت و خوب شد که تبدیل بوضعیتی شد که اسمش را بلد نیستیم - باید ما وضعیت سیاستمان همان قسمی که نسبت بان همسایه حسنه است ما باید مراقب باشیم نسبت بان همسایه هم حسن باشد و مراقب باشیم که ضرر آنها متوجه ما نشود (صحیح است) ما انشاء الله این انقلاب مبدل يك استقامتی شود بنده دوست نداشتم آقای وزیر جنگ تشریف داشته باشند ولی میگویم بنده وضعیت اوضاعی ایران را طوری میبینم که اگر این قشون نبود زحمت ما زیاد بود صحیح است) من وضعیت آقا را سیاست منع نمی بینم آن روزی که تشریف آوردند این جا من عرض کردم مناسب است رای اعتماد گرفته شود برای این بود که این سیاست را پیش بینی میکنم باز رجال انکبوس می نشینند میگویند مامورین سیاسی روس از ایران میروند ما میگویم خودمان خانه داریم زندگی داریم دولت هم پرست نکرد در آقا قوه منع نیست و قصور هست من بقدری که از اول میترسم از دوام نمی ترسم اگر دولت پرست نمیکند خود ما همه دنیا پرست میکنیم که ما را بحال طوبی بگذارند تکلیف کان مناسب نمی بینم که این دولت های دوست ما بالخصوص همسایه های مالک شان تهریف من بکنند یکی تکذیب من من آسروم اگر کرد تو برو خود را باش من دوست ندارم يك ماموری چه در اینجا چه در محل ماموریت خودش تهریف من را بکنند من اگر خوب هستم برای خودم هستم چندی است میگویند قرارداد تجاری می بندیم مادر همان حالی که پلوس جنوب رفت باره ها قرار داد بستیم و دولت ما اول درائی بود که حکومت ایشان را شناخت مامول نداریم يك دولت خارجی بدو ما اظهار تمایل بکنند مقصود اینست که ما از هر دو دولت خارجی که اظهار تمایل ما میکنند میترسم یعنی توازن عمومی را باید مراعات کرد و بنابراین از عاقل بیشتر باید احتیاط کرد بنده عرض اینست و در این مطالب قصور مسامحه می بینم بنابراین لازم است آقا قبلا تقاضای رای اعتماد بکنند با اینکه با این عیب که من حس کرده ام خود شان استغفا بکنند

(از طرف مخالفین - صحیح است احسن است)

سلیحان میرزا - آقای مدرس مطالبی را که صحبت کرد دند خیلی جامع و لاطراف و سیاسی بود ولی اجازه میدهند که من تقسیم بکنم يك قسمت از این مطالب را بپرست مذاکرات و عملیاتی بود که در این چند روز بین و فلا شده بود يك قسمت داخلی مجلس قسمت سوم که قسمت استنباحی است راجع بسیاست خارجی دولت بود و همان طور یسکه بنده فهمیدم عدمیات آن بیشتر بود

بنا بر این آنچه در دست کردم يك قسمت راجع بقسمت داخلی مجلس بود زیرا میتوان گفت مجلس امروز دو قسمت شده است يك قسمت متاسفانه اصول اشتراکشان نظریات حزبی و سیاسی نبود سلطان اعلامیه سیاسی بود)

خوبست آقای سلطان اعلامیه اجازه بدهند بنده که عرض کنم تمام شد هر چه میخواهند جواب بدهند مقصود بنده حزبی که سر و شکم هم داشته باشد نه مثل آن شیر بی ضرر و اشکم

بالاخره من داخل این قسمت میروم - زندگانی اقرار همه میدانند و سابقه باخلاق و احوال ایشان دارند و اما در قسمت قصور همه کس هم قابل قصور است و هم قابل تقصیر و آنچه که ایشان قائل شدند قصور بود در قسمتی که داخل ما راجع به مجلس شدند که من امتناع کردم و منظر عملیات خواهم بود و امروز ما منظر بودیم بلکه مردم منتظر بودند که آن عملیات که اصول پروگرام بود اگر عملی نشد بگویند بواسطه این بود که امتناع را بمخالفات رسانیدند - امروز مسائل بین مردم حل میشود متاسفانه از آن مسائل که امتناع را بمخالفات مبدل کرده است نشمر دند در قسمت عدمیات نمی شود داخل مذاکره شد برای اینکه عدمیات قابل تعداد نیست و اما در قسمت قصور عبادتی گفتند خیلی بالوجه مذاکره ایشان متباین بود و آن این عبارت بود که وضعیت قسمی است که قابل تحمل نیست و پشت سر این عبادت بنده منتظر بودم آن قسمی که قابل تحمل نیست و البته تقصیر بزرگ هم هست بگویند اما این عبارت ناقص و بقیه من مناسب با فرمایشاتشان نبود و خیلی توضیح لازم دارد و اگر بتوانند خود شان یا دیگران لطفا توضیح بدهند قسمت دیگر راجع بوقلا که گران بود اینکه می اکثریت دست کردیم و آقایان اقلیت و دیگر اینکه آقایان اکثریت ما را تریاق بتریاق تهریف ما را این عبارت غلبی توضیح لازم دارد و در بدو امر این مسئله متوجه تمام کلاهی که این جا نشسته اند میشود

(مدرس - شاه معلوم میشود یعنی عبارت را نفهمید)

البته خود شما توضیح بدهید احق و اولی مستبد ولی بالاخره مردم باید مسائل را بفهمند - حکومت ملی است - بنا بر این خوبست که این مسئله را توضیح بدهند و آنچه من فهمیده ام کاهسی بعضی از نمایندگان وقتی با ایشان موافقت می کردند ایشان اکثریت شده و وقتی با ما موافقت کردند ما اکثریت شدید و ایشان اقلیت و این عبارت الحیر بتریاق ه ه متوجه يك عده نمایندگان میشود که خود شام هستند قسمت دیگر راجع باصل ۱۷ قانون اساسی مثل اینکه چندی قبل هم اینجا مذاکره شد و مثل اینکه ماکه میخواستیم بکنیم بر خلاف قانون - آنوقت می یکی از رفقای ایشان در این موضوع صحبت کردند و رفقای ایشان گفتند صحیح است ما هم میتوانستیم بگویم صحیح نیست و آنوقت تولیدیک حرارتی میشد ولی آنروز گذاشتم برای يك روزی که فقط بگفتیم از طرف ما باکال سادگی بگویم صحیح نیست

ما ها در تمام این مذاکرات و چه در مذاکراتی که باقی رهس شد گفتیم که ما حاضر نیستیم که قوانین را مطابق معمول

بسیار است

بنا بر این آنچه در دست کردم يك قسمت راجع بقسمت داخلی مجلس بود زیرا میتوان گفت مجلس امروز دو قسمت شده است يك قسمت متاسفانه اصول اشتراکشان نظریات حزبی و سیاسی نبود سلطان اعلامیه سیاسی بود)

خوبست آقای سلطان اعلامیه اجازه بدهند بنده که عرض کنم تمام شد هر چه میخواهند جواب بدهند مقصود بنده حزبی که سر و شکم هم داشته باشد نه مثل آن شیر بی ضرر و اشکم

بالاخره من داخل این قسمت میروم - زندگانی اقرار همه میدانند و سابقه باخلاق و احوال ایشان دارند و اما در قسمت قصور همه کس هم قابل قصور است و هم قابل تقصیر و آنچه که ایشان قائل شدند قصور بود در قسمتی که داخل ما راجع به مجلس شدند که من امتناع کردم و منظر عملیات خواهم بود و امروز ما منظر بودیم بلکه مردم منتظر بودند که آن عملیات که اصول پروگرام بود اگر عملی نشد بگویند بواسطه این بود که امتناع را بمخالفات رسانیدند - امروز مسائل بین مردم حل میشود متاسفانه از آن مسائل که امتناع را بمخالفات مبدل کرده است نشمر دند در قسمت عدمیات نمی شود داخل مذاکره شد برای اینکه عدمیات قابل تعداد نیست و اما در قسمت قصور عبادتی گفتند خیلی بالوجه مذاکره ایشان متباین بود و آن این عبارت بود که وضعیت قسمی است که قابل تحمل نیست و پشت سر این عبادت بنده منتظر بودم آن قسمی که قابل تحمل نیست و البته تقصیر بزرگ هم هست بگویند اما این عبارت ناقص و بقیه من مناسب با فرمایشاتشان نبود و خیلی توضیح لازم دارد و اگر بتوانند خود شان یا دیگران لطفا توضیح بدهند قسمت دیگر راجع بوقلا که گران بود اینکه می اکثریت دست کردیم و آقایان اقلیت و دیگر اینکه آقایان اکثریت ما را تریاق بتریاق تهریف ما را این عبارت غلبی توضیح لازم دارد و در بدو امر این مسئله متوجه تمام کلاهی که این جا نشسته اند میشود

(مدرس - شاه معلوم میشود یعنی عبارت را نفهمید)

البته خود شما توضیح بدهید احق و اولی مستبد ولی بالاخره مردم باید مسائل را بفهمند - حکومت ملی است - بنا بر این خوبست که این مسئله را توضیح بدهند و آنچه من فهمیده ام کاهسی بعضی از نمایندگان وقتی با ایشان موافقت می کردند ایشان اکثریت شده و وقتی با ما موافقت کردند ما اکثریت شدید و ایشان اقلیت و این عبارت الحیر بتریاق ه ه متوجه يك عده نمایندگان میشود که خود شام هستند قسمت دیگر راجع باصل ۱۷ قانون اساسی مثل اینکه چندی قبل هم اینجا مذاکره شد و مثل اینکه ماکه میخواستیم بکنیم بر خلاف قانون - آنوقت می یکی از رفقای ایشان در این موضوع صحبت کردند و رفقای ایشان گفتند صحیح است ما هم میتوانستیم بگویم صحیح نیست و آنوقت تولیدیک حرارتی میشد ولی آنروز گذاشتم برای يك روزی که فقط بگفتیم از طرف ما باکال سادگی بگویم صحیح نیست

ما ها در تمام این مذاکرات و چه در مذاکراتی که باقی رهس شد گفتیم که ما حاضر نیستیم که قوانین را مطابق معمول

بگذرانیم و آن وقتی که آقایان می در مجلس میگذرند دولت متممزل است منزل است و در روز نامه های خودشان مینوشند

امضای دولت

سختی ندارد ما هیچ نکفیم

و آنگاه چون از دوره مجلس چیزی باقی نمانده خوبست در این قانونها مذاکره کنیم و آنرا هم نظریه مخالفی نسبت به دولت داریم

خوبست استبضاح کفیه و دولت بسا یک استبضاح ممکن است برود و هر ساعتی بخواید دولت برای استبضاح حاضر بشود و ما هم منتظر یک هفته روزی بودیم که بنمایانیم آنچه در روزنامه هاشان می نویسند بر اساس بوده البته حکومت ملی است و هر وقت نصف بملاوه یک مخالفت یک دولتی بوده آن دولت باید برود آقای مدرس در ضمن فرمایشات خیلی ملایم کاهی یک جمله کوچکی می فرمایند و میگویند مثل اینکه گفتند استبضاح آرد و درشدند (خنده) این مسئله منوجه استبضاح سابق میشود و البته می دانید که این مسئله تنها استبضاح آرد نبود راجع به او بهتر بود و آن بلطهای بجای اما در قسمت وزیر جنگ که من هم می خواستم در غیاب ایشان بگویم و اتفاقا حاضر نمیشد (وزیر جنگ بیرون بودند) ایشان راه را کم کرده اند راه مجلس شورای ملی را میبندند و (مولود ارتبه) یعنی مسؤولیت مشترک خود را فهمیده مردم هم البته فرقی بین خائن و خادم را می دهند و از جمله مثلا فرستادن عسل باروسلو و غیره است که حاجت بتوضیح نیست

در قسمت قصور و عهدهات من هم بسک مسئله باقی آمد که مثل استبضاح آرد بگویم بگذرد و آن قسمت کنفرانس لوزان است که آنجا هم بعضی عده پات پیش آمد و اما راجع به قسمت اساسی البته ایرادها وطن خود را بهتر از هر کسی دوست دارند ولی البته وقتی انسان داخل سیاست شد سیاست دو قسمت است داخلی خارجی و اما از قدیم این رسم بوده است که هر وقت می بینند بدلائل منطقی طرف نمیتوانند جواب بدهند یک جواب زندقه پیدا میکنند که او را رد کنند همین قسم در سیاست هم ممکن است بگویند فلانکس از فلانجا پول گرفته

بهر کسی که شما مایل فرمودید فردا صبح باسم یک فوق العاده میخواند هر چه میخواهد بگوید و عذراکه و مجازاتی هم در این مملکت نیست در عایبه هم اقتدر محاکمه است که باین مسائل نسیمسد و البته چنانکه فرمودند روابط ما با تمام دنیا تا وقتی که با ما دوست باشد حسنه است و البته تا ساعتی که بصره این مملکت حلال کرده اند بنا آنها هستیم و تا آنجائی که بصره مملکت خیال نکرده با او هستیم

و چنانکه خودشان در مهاجرت میگذرند بطاعت پاشا با انور پاشا گفته اند ما هم تمام دنیا میگویم که تا مادامی که بحقوق ما تعدی نکرده اند با آن ها دوست هستیم (صحیح است) و چنانکه مردم امتحان کرده اند یک اشخاصی هستند که در مقابل منافع مملکت از هیچ قوم هیچ قوه - نالک نداشته باشند و امید وارم که روز بروز دانش و تعداد

این اشخاص زیاد تر بشود در قسمت سیاست خارجی و قرار داد تجارتهی البته آقایان وزراء آقای ذکاء الملک و آقای مستوفی الممالک هستند و خودشان بهتر توضیح میدهند - و این که گفتند رجال ما همه خوب هستند من می گویم اصلا رجال بد نداریم همه خوبند! و علمت اینست که از مشروطیت ما پیش از ۱۰۸۷ سال گذشته است و الا اختلاف عقاید قبایلی موجب حرارت زیاد بشود زیرا مثل فتاوی شرعی کاهی عقیده من برخلاف عقیده آقای مدرس میشود و باید درم که مثل استبضاح گذشته این استبضاح هم با کمال ملامت بدون هیچ توهین به دیگران عمل باید

(صحیح است صحیح است) و البته در مجلس اکثریت حاکم است و در خارج هم البته افکار عموم حاکم است که آن هم موعودش انتخابات است و البته از هر کسلی که مردم خوششان آمدند باره او را انتخاب می کنند

رئیس - شرحی آقای قوام السلطنه نوشته اند و تقاضا کرده اند که قرائت شود

مشروطه فوق قرائت شد چون شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن بیانات خودشان اسمی از کنفرانس لوزان ذکر کردند و کانی می کشیم بکلیشه سابق من بوده است معنی هشتم این توضیح شده را قرائت کنید که با این که خودشان در آن موقع رئیس کسبون خارجه بوده اند آن در مسائل راجعه بکنفرانس لوزان عقایدی دارند بگویند

در این موقع آقای سعید حسن کاشانی پیشنهاد کردند که جلسه ختم و بقیه مذاکرات برای جلسه آتی بماند

فصله الدوله - از نقطه نظر عمومی و مجلس ما مصمم هستیم که این قضیه را امروز خانمه بدیم اگر دولت اظهاراتی ندارد بکند حاضر هستیم فی القیور رای بگیریم و اگر فرمایشی هم دارند ممکن است آقای ذکاء الملک یا خود آقای رئیس الوزرا بفرمایند آن وقت بعد از جواب باز هم رای بگیریم و تهیه نهاد هم دیده شده است ممکن است تمساعا دیگر بشنیم و این مسئله را خانمه بدیم

رئیس - بهر حال باید پیش نهاد کاشانی رای گرفته شود

رای گرفته شده و تعویب نکرده شد

کازرونی پیشنهاد نمودند که جلسه بماند برای یک ساعت و نیم بفرود حاج شیخ ابدالله اظهار داشتند که در ختم جلسه امروز محل حرف نیست زیرا آقایان همه یک ماموری دارند که آن کرسی است ولی بنده همین حال نگاه داشتن را خوب میدانم

کازرونی پیشنهاد خود را استرداد نمودند

رئیس - پس تقاضا داده میشود یکساعت بعد از ظهر بتوان تقاضی مجلس تعطیل شد

۰۰۰

۹ ساعت بعد از ظهر مجددا جلسه تشکیل گردید حاجاری زاده - هیئت دولت منتظر استم جواب مطالبی که آقای مدرس فرمودند بدهند بعد بنده مطالبی داشته باشم عرض خواهم کرد

در این وقت هیئت دولت وارد مجلس شدند

ذکاء الملک - چون استبضاح آقای مدرس در موضوع سیاست خارجی بود آقایان متوقع هستند که بنده عرض کنم این بنده چون خودم را پرورده پارلمان میدانم و در بیانات پارلمانی علاقه مفرط دارم اجازه میخواهم که مقدما توضیحی بدهم راجع به بیاناتی که اخیرا این آقایان نمایندگان دولت روی داده بدیم

چون تصور می کنم بعضی از آقایان هیئت دولت حاضر را آن طوری که باید رطابت قانون پارلمانی را نکرده می دانند و حال آنکه هیئتی که ریاست آن آقای مستوفی الممالک است هیچ وقت از قوانین پارلمانی تخطی نکرده است

در موضوع اصل ۱۷ قانون اساسی اگر توجه شود مسئله خیلی فاضل نیست نظرها می گویند هر وقت مجلس شورای ملی عدم رضایت خود را از هیئت دولتی اظهار کرد آن هیئت متممزل می شود توجه نکنند که مجلس شورای ملی یعنی چه؟ این وقتی است که نصف بملاوه یک نمایندگان ملت در هر کس حاضر باشند انوقت دو ثلث وقتی توانستند در تحت ریاست یکی از آنها مذاکره بکنند انوقت حق دارند بنام مجلس شورای ملی اظهاراتی بکنند اگر آن شرایط جمع نشود نمیتوان گفت مجلس شورای ملی عقاید خود را اظهار کرده و چون این مسئله گفته نشد این بود که دولت خود را قیود میبندند که باقی بماند تا اینکه باین طریق قانونی پارلمانی مطالب ظاهر شد اما اینکه هیئت دولت خود را برای این بود که دولت از خودش مطمئن بود هیئت دولت میدانست که در این مدت قبل جلسات با یک عملیات بدی نداشت این بود که آقای رئیس الوزرا تقاضا کردند بدون اینکه مطلب معین بشود در مجلس شورای ملی - از کار کنار بگیرند

بحمد الله امروز این استبضاح واقف شد و آقای مدرس با کمال فصاحت و نزاکت در بیانات خودشان گفتند که آقای رئیس الوزرا جلسات یا تقصیر نکردند منتها گفتند که تصور کرده اند مسئله قصور یک امر سابقه است و ممکن است بنده سابقه ام غیر از این باشد

خیلی خوب ممکن است آقای مدرس با حسن اعتدای که نسبت بر رئیس الوزرا اظهار داشتند عقیده شان این باشد

و راجع باصل استبضاح چون توضیح و تفسیری در طی مواد نکرده اند که در کدام موضع و کجا قصوری شده نمیتوان صحبتی بکنم و عقیده بنده تقوی نکرده اند مسئله سیاست خارجی هم یک سیاستی است که نمیشود شخص بدون اطلاع داخل مذاکره بشود و البته ما مصلحت مملکت را باین جزئیات ترجیح میدیم

اماراجع به مسئله وزیر جنگ بنده تصدیق می کنم که آقای وزیر جنگ در این مدت که دامن همت بگردد اند در مسو ایتی که عهده دار شده اند و من تصور نمیکنم که هیچ آدم مملکت دوستی تصدیق نکند که وجود ایشان خیلی مفید بوده و هر کس این تصدیق را نکند بنده از او مفرض می دانم - مقصود اینجا تعریف از وزیر جنگ نبود بلکه می خواستم بگویم که من میدانم

و این که اگر این قوه نبود اوضاع بدتر بود البته معلوم است و دولت بسا

ملکرافتهای خصوصی

مقام منیع بندگان حضرت اشرف وزیر جنگ و فرمانده کل قشون دامت عظمة

منجاوز از هفده سال بود که یک مشت اشخاص فاسد به عقیده آشوب طلب برای قبح شخصی یک قسمت از قاجیه آذربایجان را با دست طوایف شاهسون که همیشه نام آنان گواه حال برای مملکت دوستی آنهاست اختلال و با دست این طایفه که در هر مورد موقع برای حفظ استقلال مملکت جانشینانها کرده و با قوه خود خدمات عمده بمملکت و وطن مالوف نموده بودند آلتش صوملی را سلب و طوایف معصوم را از راه خدمتگذاری خارج و کذابت ملت و مملکت وادار و این عضو خدمت سزار را در نظر دولت معظم طاسی قلمداد کرده و بدین وسیله فرج صمیمیت و روح وطن پرستی آنها را تدریجا زایل و این عضو فعال را منقور عامه قرار داده تا اینکه توی موقوفیت را با بد بختی این طوایف از برای خلیات ذاری خود ربوده مستقل شده بودند پس از حرکات فدوی با در بدین رفته رؤسای طوایفی که همیشه بشهریک مقدسین مزبور بواسطه سوء عملیات چندین ساله خود از حضور خدمت گذاری امتناع و بلکه در موقع فشار از ترس جان و مخصوصا مل خود بر علیه مامورین دولت قیام می کردند بمراحم بندگان حضرت اشرف دامت عظمة مستظفر و امپدوار شده بدون اینکه از قبچه عملیات خود خائف نمایند اطاعت و انقیاد نموده خود را بنیاد حضرت اشرف دامت شو کرده و سر پرستی تشویق مکنی و مقدرات خود را یک بار تسلیم نمودند چون در نظر خود فقط اظهار اطاعت را برای اطینان اولیای معظم دولت با آن سواقی کافی ندیده بودند سایر طوایف عشایر اسیران قیمت جسته اسلحه خودشان را نیز بقشون تسلیم کردند اکنون برای تثبیت صلح و گذاری و ابراز صمیمیت خود و مخصوصا برای اینکه نام نیک خودشان در اثر آفات شدن در دست متنفذین نسک بر دار نموده بودند از این به بعد با ابراز خدمت مظهری کرده و نیز برای تکمیل اطینان خاطر مبارک و اینکه بسایر طوایف و عشایر ایران مراتب صمیمیت خدمت گذاری خود را نسبت بدولت بنیوعه ابراز دهند یک تهیه شمشیر مرصع که آخرین اسلحه آنها بود برای صدق اقوال خود در پیشگاه مبارک مدرک قسم قرار داده تهیه نموده اند که با نیک زادگان که از خود بر ا الشزام رکاب مبارک انتخاب و در تحت ریاست امیر خان اویز تومان توجه بکار اعزام داشته و فعلا در ساوجبلاغ نزد فدوی هستند بملهران ارسال و تقدیم حضور مبارک نمایند در شمشیر مزبور نقشه بیلاقات طوایف و تشویق گاه رؤسای هر طایفه با ذکر اسم آنها محذوک و مکان رئیس هر طایفه با جوارات کران بها آراسته شده در این موقع که طوایف شاهسون اوراق تاریخی هفده ساله خود را مطالعه و بمضرات عملیات خود مشهور شده و برای جبران سابقه با یک صمیمیت غیر قابل تصویری بخدمت و اطاعت قیام نموده اند سرپرستی بندگان حضرت اشرف دامت عظمة را بوسیله فدوی خواستار و توجهات مخصوصه آن ذات مقدس را درخواست می کنند که هفده سال عملیات گذشته را با روح خدمت گذاری رسمیت بخشد که از نو در قلوب خود زنده شده مظهر نمایند

امیر لشکر شمال غرب و فرمانده قوای آذربایجان ۲۵۵

همین اسباب است که اوضاع را همین حال نگاه داشته منتها این مسئله تعریف وزیر جنگ می شود تقصیر رئیس الوزرا نمی شود - به عقیده من وضعیت امروز بدتر از وضعیت پارسال و پیروار سال نیست بهر صورت چون آقای مدرس مقصود خودشان را توضیح ندادند بنده نمیتوانم زیاد تر در این موضوع بنده بکنم

یک نکته دیگر این که تعریف نمودند در ضمن فرمایشاتشان که عهد قاجیه تعاریفی امضا نشده بطور اجمال عرض میکنم این عهد نامه تجارتهی یک عهد نامه تجارتهی تعاریفی نیست اگر تعاریفی بود ممکن بود در ظرف ۲۰ روز یکبار یک عهد نامه تجارتهی منعقد نمود زیرا اصول تجارت معلوم است و سهولت رضایت طرفین حاصل میشود

اما این عهد نامه اینطور نیست یعنی در قوم هستند در مقابل یکدیگر که اینها چند چیز در بینشان پیدا شده یکی اینکه طرفین عجلانند که با یکدیگر معامله بکنند یا بر این قرار گذارده اند که عهدنامه

تجارتهی منعقد نمایند - اما یک کیفیت دیگر اینکه این دو قوم طریق و رویه اقتصادی که دارند باهم متفاوتست یک طرف تمایل رویه اقتصادی یک طرف احتیاج معاشله تجارتهی اشکال در اینست که این دو قوم را بطور با هم مخلوط کنند - ما یک طریق اقتصادی داریم که نمایی خوانیم از آن دست بر داریم آن ها هم یک رویه دارند که مثل ما نمی خواهند از آن دست بر دارند

حالا هیچ طور نشده مسئله فاضل و حل کردن آن مشکل است مدت یک سال است که این عهد نامه مورد مذاکره است و اشخاصی هم که دخالت دارند در صلا حیت آن ها کسی حرفی ندارد از این یک سال چهار ماه زمان ما بوده است و ۸ ماه در زمان قبل از ما و برای چه در مدت ۸ ماه قتیچه گرفته نشده بهمان علتی بود که عرض کردم یک مقدار از حل این مشکل در ظرف از ۸ ماه و یک مقدار در مدت این چهار ماه حل شده است

بیستم پارس

دبروز منتشر شد

اخبار روتر

مورخه دوشنبه ۱۹ ژوئن ۱۹۲۳

دستگیری

تو پون - مهاجرات بزرگ صد نفر از اشخاص معروف بالشویکی ملک و سوسالیت های مشهور امروز صبح خیلی زود دستگیر گردیده و اعلام شده است که نظریه توطئه مهمی را بر علیه دولت کشف گردیده است

اتحاد بابا سه چی ها

ریکا - خبر واصله از مسکو اشعار میدارد - جریده (ایزو سنیا) ناشر رسمی افکار دولت ساوت در طی مقاله در آن انگلیس را متهم به فعالیتات ضد بالشویکی در مشرق زمین نموده و شکایت کرده است از این که اخیرا مامورین انگلیس بابا سه چی های باقی ترستان توافق نظری حاصل نموده و مقرر شده است انگلیس مساعدت های سیاسی بسازد تا اینکه امیرا سه چی ها هم قول داده است آنچه تحت نفوذ خودزانت تحت حمایت انگلستان ساخته و در امور تجارتهای حق تقسیم می دهد علاوه بر این و عه داده است که بدون تصویب انگلستان معاهده منعقد ساخته و از دولتی غیر از انگلستان نیز اسلحه ابراج نیاید

شای شهر

قاهره - دولت مشغول مطالعه پیشنهاد کربانی ترعه سوانز گردیده و آن عیارت از این است که در ساحل ترعه شهری موسوم به پیرت مسجد شرقی بنا شود ضمنا کبابی پیشنهاد کرده است که برای نادیه دهملیون فرانک بدون تقاضای فرح حاضر میباشد و آن مبلغی را از قیمت فروش اراضی حاضر است پس بگیرد
اصرار کراسین

لندن ۶ - بموجب اطلاعات حاصله معجز جریده (دیلی تلگراف) راسین دولت متبوعه خود اصرار می کند که مواد باد داشت تعدیل گردد و این بند برسد در این باد داشت گرز از اصرار ندارد که دولت روسیه حتما وزراء مختار خود را از طهران و کابل احضار نماید بلکه فقط تقاضای می کند که دولت روسیه در موقع مقتضی آن ها را بخواند و علاوه بر این تقاضا دارد دولت روسیه شرایط دادی امضا کند که بموجب آن معاهد شود به موسسه عالی که برای تبلیغ انقلاب در مشملکات انگلیس وجود دارد مساعدت مالی قضاید

تلذیب

بر خلاف خبر واصله از مسکو روتر اطلاع حاصل کرده است بامیر فرنگستان نه قول مساعدت داده و نه او را تشویق نموده و نه قرار دادی با وی منعقد ساخته بلکه برعکس دولت انگلیس همواره جیبا موافق مدلول قرار داد تجارتهای عمل کرده است

میزان مبادلات

فرخ برات خارجه روز ۹ ژوئن در لندن بر حسب میزان لیره از این قرار است
پاریس ۷۶ ر ۷۰
ایسلاها ۹۹ ر ۵۵
بیرلس ۳۹۹ ر ۵۵
نیو یورک ۴ ر ۶۵

و این ایام آثار مجلس را که بر سر کشی است میگذارد برای آن هالی که اشتها دارند و چون معده من خراب است و اشتها را ندارم بمسافه برای کسانی که اشتها دارند -
و چون چنان که عرض کردم اصول مشروطیت را محترم می شمارم برای حفظ احترام انقیرت که همی دائم مخالفین انقیرت دارند یا موافقین الان میروم که استغای خود را تقدیم علیه حضرت هایونی بنمایم
(مستوفی الممالک با وزراء از مجلس)
(خارج شد)

تماشاچیان دو طرف بسر خواسته همهمه و قبل وقایع شروع شد از طرف تماشاجیان زنده باد مستوفی الممالک !!
صدای زنگ رگس - زنده باد کابینه ملی - صدای زنگ - مرده باد مجلس خراب - صدای زنگ طولانی مدرس اشاره نموده سردار سه مراجعت کرده و از رگس مجلس برای اسکاگت جمعیت دستور گرفت)
از بیرون در موقع خروج وزراء فریاد زنده باد زنده باد !!

رگس - ارساب که خسرو توقیف تپید اشخاصی که اینطرف و آن طرف هستند - در ضمن اشاره تماشاجیان دو طرف نمود - از طرف وکلا صحیح است صحیح است
رگس - این چه بازی است که در آورده اند -

البته آقایان مایل هستند که اصول پارلمانی محفوظ بماند و این فرقی را بنده هیچ نمی بینم و آقایان تماشاجی هم نباید این طرف و آن طرف چند روز در توقیف بمانند تا این مرتبه دیگر روی ندهد استدعای می کنم که این است که اجازه بدهند این آقایان را توقیف کنیم و آنها را محاکمه و مجازات نمایم
(رگس میخواست رای بگیرد)
مدرس - بنده کان نمیکنم که این آقایان همه در آن باشند و کان نمیکنم تمام اینها مشمول این امر بشوند

رگس - بنده عرض نکردم که مجازات بکنم بنده عرض کردم که اجازه داده شود اینها را تمام توقیف کنیم توقیف تماشاجی ها برای سرافه شده الانفاق تصویب و مجلس نیم ساعت بقرب ختم گردید

یک ساعت از شب گذشته مجددا جلسه تشکیل و بر حسب اجازه که قبلا خواسته شده بود جاری زاده شرحی مفصلی بر درایل موافق خود در اول و رده هالی که مستوفی الممالک داده بودند جهت مخالفت روزهای اخیر بیان نموده سپس تدبیر و قوام السلطه هر یک بتوجه خود بیانان مستوفی الممالک را توهینی بخود دانسته و در آن زمینه اظهاراتی نمودند و چون گفته شد که مستوفی الممالک رفته است که استغای خود را تقدیم علیه حضرت نماید و تملکیت متوز معلوم نیست بقیه مذاکرات تعیین نشده را برای جلسه فردا که سه بظهر قرار دادند همین گردید

و معاونان اطمنان بدهم نه اگر يك دو فقره مشکل دیگر حل بشود این مسئله فاضل عهد نامه تجارتهای حل بشود و امیدوارم اشخاصی که بعد از ما بمانند این یکی دو فقره را حل کنند

مستوفی الممالک رئیس الوزراء البته آقایان میدانند که من بسلطنت مشروطه علاقه داشته و بانجام خدمات در این راه افتخار داشته و دارم نظر بر اینکه برای اجرای کار و صحت عمل و پاکدامنی صرف از چند سال باین طرف فترتهای زیاد نمی دهم همیشه دوری از خدمات میگردم و همیشه از کار کناره می نمودم و اگر داخل خدمتی بشدم با وجود مجلس بامر علیه حضرت هایونی بوده و اگر در غیاب مجلس هم بوده باز بامر علیه حضرت و رعایت مصالح مملکت بوده است

همچوقت با سیاب و وسایل بر انگیزن برای روی کار آمدن اعتقاد نداشته و بدلیلی که عرض کردم اصراری نداشته ام همیشه آقایان میدانند که بمجرد حسن يك بی هلی با از طرف مجلس در دوره های گذشته با اینکه از طرف علیه حضرت با اینکه کتر اتفاق افتاده فوری کناره گیری میگردم من هان آدم هستم و در عقاید اخلاقی من تفرقه و نه لپافه و اینم تفرقه عمل استقامت من همانست که همکار محترم من فاکه الممالک گفتند جهات استقامت من همان بود و خطی تشکر بکنم پس از اینکه آقایان استحضار فرمودند بیانات همان هالی بود که فرمودند و هالی که حاضرین استماع نمودند و بالاخره طمانت و تقصیری بدولت وارد نیامد و تصور می کنم که آقای مدرس فرمودند بنده قبول نمیکنم و تصدیق نندام و باکال جرئت عرض بکنم که تصور می کنم که خود بها نای آقای مدرس هم نشان میداد که يك اعتراض واردی بدولت قداشند فقط از روی بی لطفی بوده است
(مدرس - بنده الحلاس دارم)

و خطی متشکر که در عین بی لطفی تقصیری متوجه من نشود و راجع به سیاست خارجی هم نمی خواهم پیش از آنچه گفته شد عرض کنم
يك فرمایشی هم آقای مدرس فرمودند راجع بقضایای مهاجرت که بساز بی لطفی کرده و تصور می کنم نسبت دادند آنجا هم من تصور می کرده ام و حاضر ام و اصلاح است تماشاجی هم که گسپونی از مجلس انتخاب بشود و در آنجا خطی مسأله ای نه میشود گفت راجع بان موضوع عرض کنم

اما پس از اینکه استحضار شد و معلوم گردید که طمانت و تقصیری نگرد و حفظ يك اصولی هم بعمل آمد بنده هیچ اصراری بماندن ندارم با اینکه تا یک درجه هم به معلوم شد که علت مخالفت مخالفین فقط بی لطفی نسبت بدولت بوده است قدری همهمه و بنده میدانم که وضعیات طوری است که اشخاصی امثال بنده اصلا دخالتشان در امور معنالی ندارد و متاسفانه این مملکت اشخاصی میخواهد که تحصیل عالی بگیرند و تحصیل هالی هم بدهند بنده تا اهل گرفتار هستم و نه اهل دادن - بنده اصراری در مماندن ندارم

اخبار

بهشتر کین محترم طوفان

اشخاصی که روزنامه طوفان را آبرونه هستند و وجه آبروهان را برداشته اند در صورت تمایل در پرداخت وجه در ظرف یک هفته بلا استثناء روزنامه آنها قطع خواهد شد
۳ - ۳

اعلان

يكی بود یکی نبود مقدار قابل وارد شده طلا این در خرید آن تمجیل فرمایند که تمام خواهد شد
تأیخانه کاره
نمره اعلان ۲۵۳
۳ - ۲

اعلان

قابل توجه مدیران محترم مدارس البته خدمتگذاری و مساعدت کتابخانه ایران در سال گذشته فراموش فرموده اند که آنچه جدید ثابت و تصمیم مقیم برنا پذیر می باشد و باید مکتوف شده باشد که این خدمت نه فقط از نقطه نظر کتب و استفاده بوده و الا قریب هشتصد تومان طلب از ما حال باقی نمود با آن که دولت و وزارت جلیله معارف تمام وجه کتب را پرداخته اند چنانچه چه نسبت مطبوعه کتابخانه ایران را نسبتا بهتر و مفیدتر و ارزان تر یافتند در موقع انتخاب کتب البته جانب مساعدت را با کتابخانه ایران کاملا مریض خواهند داشت
نمره اعلان ۲۵۴
۲ - ۲

اخبار

از طرف مؤسسه یعنی اینم نمره ۱۹ طهران با یک استقام خاطر عموم را مستحضر میدارد که اشياء مرفهه در این مؤسسه که موعود آنها منقضی شده است از نمره ۱ الی نمره ۵۵۵ با اطلاع وزارت جلیله فلاحات و تجارت و فوائد عامه بمعرض حراج گذاشته خواهد شد
آقایانیکه بحراج اشياء خود ندارند لازم است که اشياء خود را از رهن خارج و یا تجدید نماید
نمره اعلان ۲۴۷
۳ - ۳

اعلان

بمهم آقایان محترم اطلاع داده میشود که دو دست جیبا طی مساحت با صد فرج دارای هشت اطاق حوض آب آشامیدنی و غیره میباشد خانه و دیگری مساحت هشتاد فرج دارای پنج اطاق در بوجه حمیدالدوله بقیمت مناسب بفروشی میرسد طالبین رجوع فرمایند بدان جعفر آقای عطار سان خیابان سه سالار جنب دروازه دولت
نمره اعلان ۲۵۶

اعلان

يك قطعه ارضه مساحت هزار و دویست فرج واقع در اول خیابان منیریه که از جهت آب و هوا ممتاز است بقیمت مناسب بفروشی میرسد طالبین بدان حاجی میرزا علی عطارد در بازارچه مرحوم آقا شایخ هادی رجوع فرمایند
نمره اعلان ۲۵۷
۲ - ۱

اخبار

کتاب انقلاب اخیر روسیه که حاوی اطلاعات انقلابی روسیه است بازاری از طبع خارج و در کتابخانه ترقی موجود و بقیمت هشت قران بفروشی میرسد

